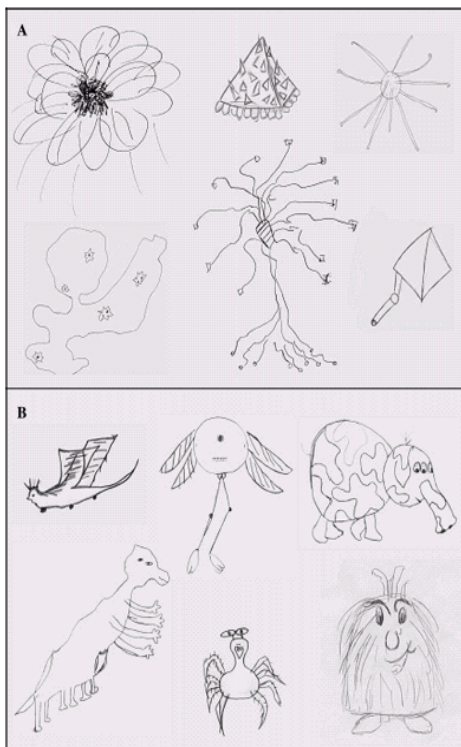


گستره مفاهیم و خلاقیت به عنوان عملکرد روان‌پریشی‌گرایی

حیواناتی را تصور و نقاشی کنند که فرض شده است در سیاره دیگری که شباهتی به زمین ندارد، زندگی می‌کنند. در شکل ۱ نمونه‌ای از نتیجه آزمون گروه A (که نمره پایین روان‌پریشی‌گرایی داشتند) و گروه B (که نمره بالایی روان‌پریشی‌گرایی را کسب کرده بودند) نمایش داده شده است.



شکل ۱

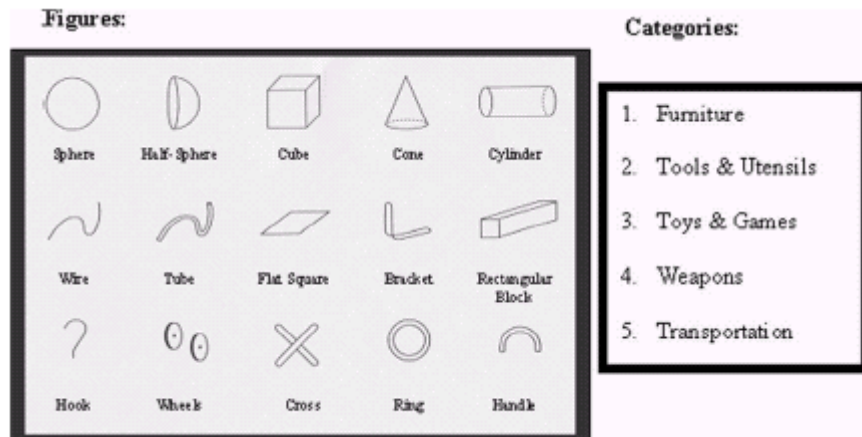
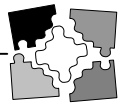
1- psychoticism
3- Amabile

2- relevance
4- Eysenck

اصالت که ناشی از مفهوم مرتبط بودن است و بر اساس فکر فراگیر یا فرآیند تفکر غیرمعمول و غیر مرسوم شکل گرفته، تعریف می‌شود. بر پایه مفهوم سازی آیزنک از روان‌پریشی‌گرایی (که ساختار شناختی فراگیری دارد) انتظار می‌رود که سطوح بالاتر روان‌پریشی‌گرایی با گستره بیشتر مفاهیم و تصورات خلاق همراه گردد، ولو اینکه به طور همزمان غیرعملی و غیرمفید نیز باشند. برای آزمون این نظریه، مطالعه‌ای روی ۸۰ نفر از افراد بالغ دارای تحصیلات دانشگاهی و فاقد تحصیلات دانشگاهی در کشور آلمان صورت گرفت. شرکت‌کنندگان ابتدا به نمونه آلمانی سؤال‌های شخصیت آیزنک (EPQ-R) که برای کشف درجات روان‌پریشی‌گرایی کاربرد دارد، پاسخ دادند. سپس آزمودنی‌ها بر اساس نمره کسب شده، به دو گروه با نمره بالا و با نمره پایین تقسیم شدند. سپس از هر دو گروه، آزمون گستره مفاهیم و تصورات خلاق به عمل آمد. گستره مفاهیم از طریق ترجمه آلمانی animal task سنجیده شد. در این آزمون افراد می‌بایست

خلاق بودن اغلب به عنوان یک صفت منحصر به فرد شناخته می‌شود. در دوران باستان عقیده جذابی مبنی بر وجود ارتباط بین خلاقیت زیاد و بیماری‌های روانی وجود داشت. با توجه به اینکه روان‌پریشی و سلامت روان دو انتهای یک طیف هستند، شاید بتوان افراد سالم دارای خصائص روان‌پریشی‌گرایی^۱ و اسکیزوتایی را از روی خلاقیت زیاد آنها شناسایی کرد.

با توجه به نظریه‌های متفاوت، از مفهوم خلاقیت تعاریف متعددی ارائه شده است. یکی از عوامل اصلی که در مفهوم خلاقیت بسیار مهم است، عامل نوآوری یا اصالت عقیده می‌باشد، که محور اصلی ساختار خلاقیت را نیز تشکیل می‌دهد. عامل مهم دیگر که پایه بسیاری از نظریه‌ها را نیز می‌سازد، مفهوم مرتبط بودن^۲ است. مثلاً در نظریه آمابایل^۳، خلاقیت بر اساس نو بودن، مفید بودن و مناسب موقعیت بودن تعریف می‌شود، حال آنکه در نظریه آیزنک^۴، خلاقیت بر اساس مفهوم



شکل ۲

فرد و غیرمعمول بیشتری داشتند. تفاوت‌ها در هر دو آزمون از نظر آماری معنادار بود. نتیجه این مطالعه، به وضوح ارتباط روان‌پریشی‌گرایی و خلاقیت بر پایه تفکر مشارکتی و الگوهای فعال‌سازی گسترده‌تر را نشان داد.

یافته‌های این آزمون‌ها، چنانچه انتظار می‌رفت، نشان داد که افرادی که در آزمون اولیه EPQ-R نمره بالاتری کسب کرده بودند (گروه B)، در آزمون گسترده مفاهیم بهتر عمل کردند. در آزمون خلاقیت نیز این گروه، توانایی خلق آثار نو، منحصر به

برای سنجش خلاقیت، اشکالی در اختیار آزمودنی‌ها گذاشته شده بود که افراد می‌بایست با استفاده از سه تای آنها شیئی را نقاشی می‌کردند که به گروه‌های از پیش تعیین شده‌ای تعلق داشته باشد (شکل ۲).

Abraham, A., Windmann, S., Doum, I., & Güntürkün, O. Conceptual expansion and creative imagery as a function of psychoticism. *Consciousness and Cognition*, in press.

ترجمه و تلخیص: دکتر ماندانا صادقی